

## نقش توانمندی شغلی زنان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش کونانی شهرستان کوهدشت)

مجتبی قدیری معصوم<sup>۱</sup> - جمشید عینالی<sup>۲</sup> - فرشاد سوری<sup>۳\*</sup> - مهدی چراغی<sup>۴</sup>

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو قطب علمی مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۶ | صص ۱۷-۲۵ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۱/۳۱

### چکیده

**هدف:** در حال حاضر، وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روزبه‌روز تعداد بیشتری آن را درمی‌یابند و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در امر توسعه نیز بر روی آن تأکید دارند. یکی از راهکارهای مهم برای بهبود وضعیت زنان، توانمندسازی آن‌ها در جنبه‌های مهم زندگی و به‌ویژه بعد اقتصادی است. در همین راستا، در این مقاله به بررسی توانمندی زنان و نقش آنان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی به‌عنوان هدف اصلی پژوهش پرداخته شده است.

**روش:** نوشتار حاضر جنبه کاربردی دارد و از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و پیمایشی محسوب می‌شود که در آن از دو شیوه اسنادی و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) برای گردآوری داده‌های موردنیاز استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق زنان روستایی ساکن در بخش کونانی شهرستان کوهدشت هستند (۱۰۸۹۵) که از بین آن‌ها ۳۳۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. سطح پایایی پرسشنامه تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد که بیانگر ضریب اعتماد بالا است.

**یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیشترین سطح توانمندی زنان در بین بخش‌های اقتصادی مربوط به فعالیت‌های کشاورزی است که با متغیرهای سن و درآمد دارای رابطه معنادار و مستقیم است. همچنین، مشخص شد زنانی که از ویژگی‌های مربوط به توانمندسازی در سطح بالاتری برخوردار هستند، توانمندی بیشتری در ایجاد درآمد خواهند داشت.

**محدودیت‌ها/ راهبردها:** مراجعه به منطقه و تهیه و تکمیل پرسشنامه‌ها از بین زنان روستایی که با مشکلات و نگرش‌های سنتی روبه‌رو هستند، از جمله محدودیت‌های این تحقیق بود.

**راهکارهای عملی:** با شناخت دقیق توانمندی‌های زنان در زمینه‌های مختلف شغلی و همچنین، تعیین قابلیت‌ها و استعدادها، آن‌ها در زمینه توانمندسازی همچون علاقه، اعتمادبه‌نفس، سواد و تخصص، تجربه محلی و علمی، مسؤلیت‌پذیری، انگیزه پیشرفت و ... نیاز ضروری برای دستیابی به توانمندی زنان است.

**اصالت و ارزش:** از یک سو، توانمندسازی زنان می‌تواند منجر به کاهش بیکاری زنان و افزایش توانمندی آن‌ها در انجام فعالیت‌های مختلف شود و از سوی دیگر، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای آنان و درنهایت، توسعه روستایی در ابعاد گوناگون منجر شود.

**کلیدواژه‌ها:** زنان، توانمندی شغلی، توانمندسازی، توسعه اقتصادی روستا، بخش کونانی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسئله

در شرایط توسعه‌یافتگی، بقا هدفی است که همه کشورهای برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. ارزش‌های اساسی توسعه پایدار بر محور ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی انسان‌ها تعریف می‌شوند و تحقق عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین لوازم پایداری توسعه است. یکی از مواردی که توسعه‌نیافتگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، وجود فرصت‌های برابر برای توسعه توانمندی زنان و مردان است (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ص. ۱۹؛ آل‌آقا، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۸). در واقع، ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی؛ یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تأمین نیازهای اساسی، تلاش در راستای رفع اختلافات طبقاتی در جامعه، رشد آگاهی عمومی، اعتمادبه‌نفس و اعتماد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جست‌وجو کرد (چمبرز، ۱۹۹۴، ص. ۱۵۳؛ رحیمیان، ۱۳۸۶، ص. ۲۹). زنان تقریباً نیمی از افراد هر جامعه را تشکیل می‌دهند و سازندگان و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده محسوب می‌شوند. آن‌ها منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور هستند؛ از این رو، توجه ویژه به مسیر پیشرفت و توانمندی آن‌ها ضرورت دارد (طالقانی، پورعزت، و فرجی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). به‌هنگام روبه‌رو شدن با تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان، ضرورت توانمندسازی آنان در ادبیات توسعه و جنسیت مدنظر قرار می‌گیرد (چمبرز، ۱۹۹۴، ص. ۹۶۹). شاخص توانمندسازی زنان از جمله شاخص‌های مهمی است که بیانگر سطح حضور زنان در جامعه است و برحسب درصد حضور زنان در جامعه می‌باشد (قدیمی، منوچهری قشقایی، و قاسمی، ۱۳۸۶، ص. ۴۹)؛ به این ترتیب، اگر به زنان که نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند، فرصت اظهار توانمندی‌ها و مشارکت مؤثر داده نشود، آن‌ها درک درستی از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود پیدا نخواهند کرد (نجاتی آجی‌بیشه و جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۴۰).

طبق آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت زنان ایرانی حدود ۳۷ میلیون نفر و آمار مشارکت اقتصادی زنان ۱۲/۶٪ برآورد شده است؛ در حالی که این سهم برای مردان ۶۰/۷٪ می‌باشد (مرکز آمار ایران، الف، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). همچنین، مشارکت اقتصادی در مناطق شهری ۳۵/۸٪ و در مناطق روستایی ۳۹/۸٪ را نشان می‌دهد که این آمار بیانگر مقدار مشارکت بیشتر روستاییان در مقایسه با شهرنشینان است

(مرکز آمار ایران، ب، ۱۳۹۰، ص. ۱۷). در این میان، زنان روستایی به‌عنوان نیروی کار، تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. این فعالیت‌ها همواره در ایجاد و بهبود درآمد خانوار مؤثر بوده است؛ ولی در موارد کمی به این مشارکت و حضور فعال توجه جدی می‌شود (آل‌آقا، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹). توانمندی زنان مزایای گوناگونی را برای توسعه جامعه روستایی در ابعاد مختلف در پی خواهد داشت؛ به‌ویژه توانمندسازی زنان که در توسعه پایدار نقشی اساسی دارد.

زنان روستایی بخش کونانی نیز مانند جوامع روستایی جوامع جهان سوم به‌طور عام و مناطق روستایی ایران به‌طور خاص از این قاعده مستثنا نیستند؛ بنابراین، تلاش برای شناسایی هر چه دقیق‌تر و ارزش‌گذاری اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی بخش کونانی و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش اشتغال و توانمندی آنان در توسعه اقتصاد روستایی از جمله مسائل ضروری در مسیر توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه به‌شمار می‌آید. در نوشتار حاضر قصد داریم با بررسی توانمندی‌های شغلی زنان، نقش این توانمندی‌ها را در توسعه اقتصاد روستایی بخش کونانی شهرستان کوهدشت تجزیه و تحلیل کنیم. در همین راستا، برای دستیابی به اهداف مورد بررسی سؤال‌های زیر مطرح می‌شوند:

۱. آیا زنان در بخش کونانی شهرستان کوهدشت از توانمندی‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی برخوردار هستند؟
۲. چه رابطه‌ای میان توانمندی‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی زنان محدوده مورد مطالعه و ویژگی‌های فردی آنان (سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد) وجود دارد؟
۳. چه رابطه‌ای میان توانمندی‌های زنان و گروه‌های شغلی همسرانشان وجود دارد؟
۴. آیا بین میزان توانمندسازی زنان و افزایش توانمندی آن‌ها در ایجاد درآمد در بخش کونانی شهرستان کوهدشت ارتباط وجود دارد؟

## ۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

در ارتباط با اهمیت بعد اقتصادی کار زنان در جوامع روستایی کشور، وارثی و همکاران نیز بر این واقعیت مهر تأیید زده‌اند که مهم‌ترین دلیل اشتغال زنان در جوامع روستایی یزد نیاز اقتصادی آن‌ها است (وارثی، حسینی‌ابری، و زارع شاه‌آبادی، ۱۳۸۵، ص. ۴۱). همچنین، نتایج پژوهش طالبی‌فر نشان می‌دهد هرچه نیازهای مالی خانواده بیشتر باشد، به‌همان میزان

این مطالعه نشان می‌دهد در ابعاد بررسی شده، زنان در سطوح بالای استفاده از فناوری از توانمندی بیشتری برخوردار هستند. نتایج مطالعات فرجی سبکبار و همکاران در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار، نقش مهمی در جامعه روستایی برعهده دارند؛ از این رو، افزایش مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده روستایی و در نتیجه، زندگی روستایی داشته باشد. در این مطالعه، رابطه میان توانمندی زنان روستایی و میزان استفاده از ICT به شیوه تحلیلی- توصیفی بررسی شده است. نتایج مطالعات شکوری و همکاران در سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد ویژگی‌های فردی زنان نقش بسزایی در فقر آنان دارد و فقر زنان دارای ابعاد چندگانه اقتصادی، اجتماعی و روانی است. مطابق یافته‌های این پژوهش، با وجود برخی از تلاش‌ها که در قالب طرح‌های حمایتی انجام شده است، توانمندی آنان همچنان در سطحی پایین قرار دارد. علل این مسئله را در ماهیت و رویکرد حاکم بر این تلاش‌ها، کمیت پایین آن‌ها و نیز فقر قابلیت‌های زنان ذکر می‌کنند.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی در راستای پاسخ‌گویی به سؤال-ها، قصد دارد به تبیین چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله مورد نظر و ابعاد آن بپردازد. محدوده مکانی تحقیق بخش کونانی شهرستان کوهسخت است که دارای دو دهستان زیرتنگ با ۶۴۴۴ نفر جمعیت و کونانی با ۱۶۰۳ نفر جمعیت می‌باشد (بر اساس مرکز آمار ایران، پ، ۱۳۹۰). محدوده زمانی پژوهش نیز پاییز و زمستان ۱۳۹۱ است. جامعه آماری این مطالعه شامل زنان ساکن در روستاهای بخش کونان هستند که تعداد کل آن‌ها برابر با ۱۰۸۹۵ نفر می‌باشد و از آن میان تعداد نمونه لازم برطبق فرمول کوکران ۳۳۰ نفر مشخص شد. انتخاب نمونه‌ها در سطح هر روستا، به صورت تصادفی ساده است تا اصل فرصت برابر با هدف انتخاب خانوارها رعایت شده باشد. سطح پایایی پرسشنامه تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد که بیانگر ضریب اعتماد بالا است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه-ای (فیش‌برداری و ترجمه متون مورد نیاز) و پیمایش میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده به صورت آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون فریدمن (برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها) ضریب

تمایل زنان به اشتغال بیشتر است و هرچه برخورداری از استقلال مالی برای زنان اهمیت بیشتری داشته باشد، تمایل آن‌ها به اشتغال نیز بیشتر می‌شود (طالبی فر، ۱۳۸۰، ص. ۳۰۲). کردی نیز بر این باور است که اصولاً زنان استقلال مالی را یکی از متغیرهای عمده برای امنیت زندگی فردی خود می‌دانند و با همه موانعی که بر سر راه مشارکت اقتصادیشان وجود دارد، پیوسته گرایش آن‌ها به کار خارج از خانه روبه-افزایش بوده است. به گفته وی، علت اصلی اشتغال به کار زنان در خارج از منزل، فایده آن در استقلال مالی و سپس، درک بهتر از مسائل اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس است (کردی، ۱۳۸۱، ص. ۳۱). لهسایی زاده و همکاران در پی پژوهش انجام شده در مناطق روستایی استان فارس به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود و هم‌جنسانشان بیشتر شود، نگرش آن‌ها در زمینه حضور در عرصه‌های اقتصادی مثبت‌تر می‌گردد و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی بیشتر می‌شود و به تدریج موانع را از پیش‌روی خود برخواهند داشت (لهسایی زاده، جهانگیری، و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴، ص. ۳۱). یافته‌های پژوهش ارجلو در شهرستان اصفهان نیز نشان می‌دهد افزایش میزان آگاهی زنان از حقوق مدنی خویش به افزایش سهم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی-خانوادگی منجر می‌شود. او معتقد است اشتغال در یک فعالیت درآمدزا و دریافت مستقیم درآمد توسط زنان از جمله عوامل اقتصادی است که بر آگاهی آن‌ها اثر مثبت و معنادار دارد (ارجلو، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۳). نتایج مطالعه امینی و احمدی شاپورآبادی در سال ۱۳۸۸ نشان داد سطح خوداتکایی نه‌چندان قابل توجه زنان منطقه پژوهش با سهم دریافتی آن‌ها از درآمدشان رابطه مستقیم دارد. اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی خارج از منزل، کارفرمابودن، داشتن فعالیت‌های اقتصادی متعدد مزدگیری و امکان پس‌انداز از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خوداتکایی آن‌ها است. نتایج مطالعات آیت و اعظمیان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد توجه به اهمیت توسعه پایدار در روستاها و وضعیت ایران و افزایش مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت روستاها داشته باشد. در این میان فناوری اطلاعات به-دلیل تعدد نقش‌هایی که در رویکرد توسعه دارد و با ایجاد شبکه گسترده‌ای که به ایفای این نقش‌ها می‌پردازد، می‌تواند سبب توانمندسازی و تأثیرگذاری آگاهانه بر زنان گردد. نتایج

همبستگی (برای بررسی رابطه متغیرها)، همگونی کای دو (برای بررسی رابطه متغیر ناپارامتری) صورت گرفته است.

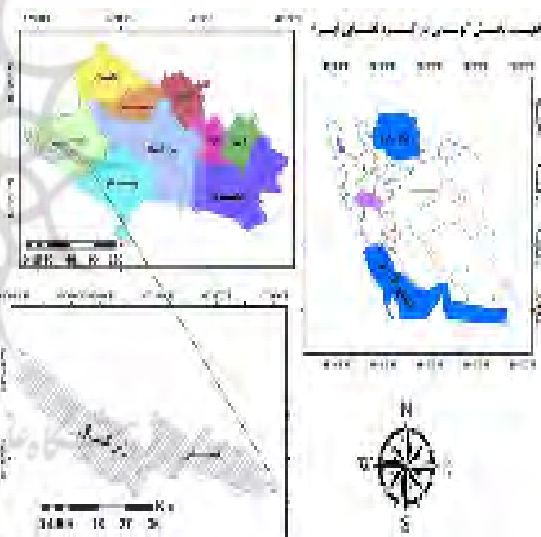
### جدول ۱- شاخص‌های مورد نیاز تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
دامداری و فعالیت‌های وابسته به آن، زراعت و فعالیت‌های وابسته به آن، باغداری و فعالیت‌های وابسته به آن، گلخانه و تولید و پرورش گل و گیاه، پرورش طیور (پرندگان، زنبورداری و ...)	کشاورزی
قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، صنایع فرآوری و بسته‌بندی تولیدات، خیاطی و تهیه البسه محلی، صنایع سنتی زینتی (گلدوزی و ...)، صنایع کوچک کارگاهی و خانوادگی	صنعتی
گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن، فروشنده‌گی و مغازه‌داری، آرایشگری	خدماتی
ایجاد درآمد برای خانواده، افزایش درآمد خانواده، ایجاد پس‌انداز، افزایش پس‌انداز خانواده، گسترش دارایی‌های سرمایه‌ای مانند زمین و ماشین‌آلات کشاورزی، بهبود کمی و کیفی مسکن	توانمندی خود در ایجاد درآمد

میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم تحقق نیافتن کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود؛ در نتیجه، با وجود طرح رهیافت‌های مختلف برابری زنان و مردان، توجه جدی به نظریه‌های رفاهی مساوات و فقرزدایی، کارآیی و توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی در چارچوب تحلیل جنسیتی به حرکتی همه‌جانبه نیازمند است که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش‌ها و نیز نیازمند برنامه‌ریزی از پایین به بالا است. به همین دلیل، امروزه دنیا با این واقعیت مواجه می‌شود که زنان دیگر نباید به‌عنوان عوامل نامرئی در فرایند توسعه به حساب آیند. نقش آفرینی و توانمندی‌های زنان در میزان موفقیت دولت‌ها در زمینه کنترل رشد جمعیت، بیکاری و پراکندگی درآمد فردی و حفظ محیط زیست، سیاست‌گذاران کلان دولتی را بر آن می‌دارد تا زنان را از حصار نامرئی بودن درآورند (روح-افزاء، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۹).

طی دهه‌های اخیر تلاش هماهنگ و گسترده در زمینه توسعه بین‌المللی و در راستای توانمندسازی زنان آغاز شده است و یکی از اهداف توسعه هزاره سوم، ترویج برابری جنسیت و توانمندسازی زنان است (گراب<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲، ص. ۲۳۴). باین حال، هنوز معانی و مفاهیم و چگونگی دستیابی به توانمندسازی زنان چندان مشخص و روشن نیست. توانمندسازی مفهومی کلیدی است که امروزه در هر دو دیدگاه روان‌شناسی و توسعه مطرح شده است (راپاپورت<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷، ص. ۱۲۳). در حال حاضر،



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی بخش کونانی

مأخذ: استانداری لرستان، ۱۳۹۲

### ۳. مبانی نظری تحقیق

با گسترش جهانی شدن روند نقض حقوق زنان افزایش پیدا کرده است. عواقب ناشی از این روند باعث گسترش فقر در میان زنان و به دنبال آن تشدید روند تقسیم جنسیتی کار شده است (ناپلس و دیسائی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، ص. ۵). ادامه این روند در طی دهه‌های اخیر باعث شده است که ۲۰۰ میلیون کارگر در جهان دارای درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز باشند که بیشتر آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند (موسسه توسعه ماوراء بحار<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه ۱۹۷۰

زنان روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد میانگین بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی به ترتیب برابر با ۱/۷۲، ۱/۶۲ و ۱/۶۰ است. پس از شناسایی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌گویان به تحلیل سؤال‌های مطرح‌شده خواهیم پرداخت.

تحلیل رابطه میان میزان توانمندی‌های شغلی زنان در محدوده مورد مطالعه و ویژگی‌های فردی آن‌ها از قبیل سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان ویژگی-هایسن، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد پاسخ‌گویان با توانمندی‌های زنان رابطه معنادار وجود دارد؛ اما میان تحصیلات و توانمندی‌های زنان رابطه معنادار وجود ندارد. این معناداری برای متغیرهای سن و تعداد اعضای خانوار در سطح اطمینان ۹۹٪ و برای متغیر درآمد در سطح اطمینان ۹۵٪ به دست آمد (جدول ۲):

#### جدول ۲- رابطه میان میزان توانمندی‌های زنان و ویژگی‌های

##### فردی آن‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

میزان درآمد	تحصیلات	تعداد اعضای خانوار	سن	آماره
۰/۱۶۴**	-۰/۰۳۸	۰/۲۱۷**	۰/۲۰۷**	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۳	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری
۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	تعداد نمونه-ها

\*\* همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۰۱

بنابراین نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای تحلیل رابطه بین توانمندی‌های شغلی زنان و ویژگی‌های فردی آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سن، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد، سطح توانمندی‌های زنان روستایدر بخش کونانی افزایش پیدا می‌کند.

برای تشخیص توانمندی شغلی زنان روستایی در بخش کونانی و تفاوت آن‌ها، از آزمون فریدمن استفاده شد (جدول ۲). نتایج نشان می‌دهد زنان روستایی در بخش کونانی در سه دسته فعالیت‌های شغلی کشاورزی، صنعت و خدمات دارای توانمندی هستند و بیشترین میزان توانمندی شغلی برای شغل‌های بخش کشاورزی و سپس، صنعت و خدمات است.

توانمندسازی دارای ساختاری بین‌رشته‌ای است که به شدت بر نظریه‌های روان‌شناسی جامعه استوار است (هانتر، یاسون، و کیز، ۲۰۱۳، ص. ۴). اولین بار در سال ۱۹۷۰ مفهوم توانمندسازی زنان در راستای سهولت مبارزه با عدالت اجتماعی و برابری زنان با مردان و از طریق دگرگونی‌های سیاسی وارد ادبیات توسعه شد (مسدال، ۲۰۰۵، ص. ۴)؛ با این وجود، بسیاری از سازمان‌ها در طی دهه ۱۹۹۰ شروع به استفاده از مفهوم توانمندسازی در راستای تدوین راهبردهایی برای بهبود وضعیت زنان کردند که بیشتر این راهبردها مبتنی بر استراتژی‌های توسعه اقتصادی نئولیبرالیسم بود (پرکینز و زیمرمان، ۱۹۹۵، ص. ۷). در این میان رشته‌های مختلف به-طور کلی توانمندسازی را شامل دسترسی به منابع مادی، احساس کنترل شخصی و افزایش رفاه می‌دانند (زیمرمان، ۱۹۹۵؛ کاتانو و چاپمن، ۲۰۱۰). تعاریف مفهومی مشابه از توانمندسازی در زمینه‌های روان‌شناسی و توسعه ارائه می‌شوند. در مفهوم روان‌شناختی، توانمندسازی شامل کنترل فردی و آزادی است که به موجب این دو عامل، امکان کنترل بر منابع و تسلط بر مسائل از طریق افزایش قدرت انتخاب ایجاد می‌شود (زیمرمان، ۱۹۹۰، ص. ۱۹۹؛ راپاپورت، ۱۹۹۴، ص. ۴). به‌طور مشابه، در ادبیات توسعه بین‌المللی، توانمندسازی به معنای گسترش آزادی انتخاب و عمل شکل‌دادن به زندگی است (ناریان، ۲۰۰۵). کبیر<sup>۱۱</sup> توانمندسازی را به صورت فرایند تغییر تعریف می‌کند که در طی آن کسانی که محروم هستند، توانایی ایجاد زندگی و انتخاب را به دست آورند (کبیر، ۲۰۰۵). ادبیات موجود نشان می‌دهد توانمندسازی فرایندی است که در آن اجزای متعدد بر هریک دیگر از اجزاء مؤثر هستند و تأثیر می‌پذیرند (کبیر، ۱۹۹۹؛ زیمرمان، ۱۹۹۵).

#### ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۶/۴۳ سال و میانگین تعداد افراد خانوار برابر با ۴/۳ نفر است. ۹۳/۹٪ زنان متأهل و ۶/۱٪ مجرد بوده‌اند. ۱۴/۹٪ زنان شاغل در بخش کشاورزی، ۶/۴٪ شاغل در بخش صنعتی، ۲۳/۹٪ شاغل در بخش خدمات و ۵۴/۸٪ نیز خانه‌دار بوده‌اند. از نظر وضعیت سواد ۲۱/۸٪ بی‌سواد، ۲۳/۹٪ سواد دوره ابتدایی، ۲۴/۸٪ سواد دوره راهنمایی، ۱۱/۵٪ سواد دوره دبیرستان، ۱۳/۳٪ دیپلم و فوق‌دیپلم و ۴/۵٪ نیز تحصیلات مقطع کارشناسی و بالاتر داشته‌اند. یافته‌های مربوط به سطح توانمندی‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی

### جدول ۳- معناداری تفاوت میانگین رتبه‌ای توانمندی‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی زنان روستاهای مورد مطالعه براساس آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین عددی	میانگین رتبه‌ای فریدمن
کشاورزی	۳۳۰	۱/۷۲	۲/۷۱
صنعتی	۳۳۰	۱/۶۲	۲/۳۰
خدمات	۳۳۰	۱/۶۰	۲/۳۴
توانمندی کل	۳۳۰	۱/۶۵	۲/۶۴
کای‌دو	۲۶/۰۵۶		
درجه آزادی	۳		
سطح معناداری	۰/۰۰۰		

همان‌گونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد، بین میزان توانمندی‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی زنان روستاهای مورد مطالعه در سطح آلفای ۰/۰۱ تفاوت معناداری وجود دارد. در این میان بیشترین میانگین رتبه‌ای مربوط به شغل‌های بخش کشاورزی و کمترین آن مربوط به بخش صنعتی است. نتیجه تحلیل میانگین رتبه‌ای مربوط به میزان توانمندی‌های شغلی زنان در روستاهای مورد مطالعه نشان‌دهنده پایین بودن سطح توانمندی‌های شغلی این زنان به میزانی کمتر از حد متوسط و در هر سه دسته شغلی مورد بررسی است (جدول ۲). به عبارت دیگر، اگرچه زنان از توانمندی‌های شغلی متفاوتی برخوردار هستند، اما مقدار این توانمندی‌ها پایین است.

در ادامه تحقیق برای پی‌بردن به این امر که آیا زمینه شغلی‌ای که منبع کسب درآمد خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد با میزان توانمندی زنان مرتبط است، به تحلیل رابطه میان توانمندی‌های زنان و گروه‌های شغلی همسرانشان با استفاده از آزمون کروسکال والیس پرداخته شد (جدول ۴):

### جدول ۴- رابطه میان توانمندی‌های زنان و گروه‌های شغلی همسرانشان با استفاده از آزمون کروسکال والیس

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شغل همسران	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مقدار خی‌دو	درجه آزادی	معناداری
کشاورزی	۱۶۳	۱۸۱/۹۹	۱۸/۱۱۳	۳	۰/۰۰۰
صنعتی	۸	۱۴۵/۶۳			
خدماتی	۱۵۹	۱۴۴/۲۴			
کلی	۳۳۰				

نتایج آزمون کروسکال والیس در جدول (۳) نشان می‌دهد زنانی که همسران آن‌ها در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند، دارای سطح توانمندی بالاتری نسبت به دیگر زنان هستند. در تحلیل نتیجه به دست آمده و با توجه به وضعیت منطقه می‌توان به دو مورد اشاره کرد که در این موارد، افزایش سطح توانمندی زنان به دلیل تأثیرگذاری شغل همسران آن‌ها است: اول اینکه کشاورز بودن همسران آن‌ها خواه یا ناخواه باعث فراگیری برخی از مهارت‌های شغلی کشاورزی توسط زنان و جذب آن‌ها در این زمینه شغلی شده است؛ دوم اینکه کاربرد بودن شغل‌های بخش کشاورزی نسبت به دیگر دسته‌های شغلی و همچنین، تقسیم کار خانوادگی در نواحی روستایی و کمک به همسرانشان در انجام کارها، موجب فعالیت زنان در بخش کشاورزی شده و سطح توانمندی آن‌ها را نیز بالا برده است.

در ادامه تحقیق، تحلیل روابط آماری میان شاخص کل توانمندی زنان مورد مطالعه و توانمندی آن‌ها در ایجاد درآمد با استفاده از تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا انجام شد. سپس، براساس آزمون همگونی کای‌دو مبتنی بر جداول توافقی، مشخص شد تفاوت آماری معناداری میان متغیر وابسته توانمندی زنان در ایجاد درآمد و متغیر مستقل شاخص کل توانمندی موجود است.

### جدول ۵- روابط آماری میان شاخص کل توانمندی زنان و توانمندی آنان در ایجاد درآمد با آزمون همگونی کای‌دو

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

کل	توانمندی زنان در ایجاد درآمد			مؤلفه‌ها
	کم	متوسط	بالا	
۱۴	۹۶	۳۸	۱۴	شاخص کل توانمندی
۸	۳۴	۱۰۱	۳۰	
۱۶	۴	۷	۶	
۵	۱۳۴	۱۴۶	۵۰	
۳۳۰	کل			
اماره آزمون کای-دوی پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری	
	۶۹/۹۴۸	۴	۰/۰۰۰	
ضریب همبستگی	۰/۳۲۹			

نتایج تحلیل‌های آزمون همگونی کای‌دو نشان می‌دهد براساس میزان شاخص کل توانمندی، تفاوت معناداری در

هستند که دلیل این امر را می‌توان در کاربر بودن فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی و تقسیم کار خانوادگی دانست. برای پاسخ به سؤال پایانی براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، مشخص شد تفاوت آماری معناداری میان متغیر وابسته توانمندی زنان در ایجاد درآمد و متغیر مستقل شاخص کل توانمندی موجود است. به‌طور کلی، می‌توان گفت با افزایش شاخص کل توانمندی زنان، میزان توانمندی آنان در ایجاد درآمد نیز افزایش پیدا می‌کند.

لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۴) به‌دنبال بررسی مناطق روستایی استان فارس دریافتند هرچه آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود و هم‌جنس‌هایشان بیشتر شود، نگرش‌شان درباره حضور در عرصه‌های اقتصادی مثبت‌تر و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی بیشتر می‌شود. در پژوهش حاضر نیز مشخص شد زنانی که در برخورداری از شاخص‌های توانمندسازی مانند انگیزه پیشرفت، آگاهی، شخصیت مترقی و ... در سطح بالاتری قرار دارند، دارای توانمندی بیشتری هستند. در مطالعه آیت و اعظمیان (۱۳۹۰) مشخص شد، افزایش مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت روستاها داشته باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نیز نشان داد زنانی که از زمینه بیشتری برای توانمندسازی برخوردار هستند، قابلیت بیشتری در افزایش درآمد و در نهایت، توسعه اقتصادی روستا دارند. نتایج پژوهش حاضر در مورد تأثیر گذار بودن زنان در توسعه اقتصادی روستا با داشتن توانمندی‌های شغلی متفاوت با نتایج مطالعه فرجی‌سبکبار، خاکی، و نعمتی (۱۳۹۰) و نیز نتایج پژوهش آیت و اعظمیان (۱۳۹۰) مبنی بر تأثیر گذار بودن زنان در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده روستایی و نیز جامعه روستایی همسو است. نتایج مطالعه شکوری، رفعت‌جابه، و جعفری (۱۳۸۶) نشان می‌دهد ویژگی‌های فردی زنان نقش مهمی در فقر و توانمندی پایین آنان دارد. نتایج حاصل از تحلیل رابطه بین میزان توانمندی زنان و ویژگی‌های فردی آن‌ها در این تحقیق نشان داد افزایش توانمندی زنان با متغیرهای سن، تعداد اعضای خانوار و درآمد دارای رابطه مثبت، مستقیم و معناداری است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد زنان با وجود توانمند نبودن در فعالیت‌های مختلف، سطح توانمندی پایینی دارند که در این زمینه نتایج آن با یافته‌های پژوهش شکوری و همکاران (۱۳۸۶)، آیت و اعظمیان (۱۳۹۰)، آل‌آقا (۱۳۸۴)، حیدری و جهان‌نما (۱۳۸۲) همسو است.

توانمندی زنان در ایجاد درآمد به‌دست‌آمده وجود دارد. مقدار همبستگی محاسبه‌شده در این تحلیل (۰/۳۲۹) در سطح ۰/۹۹ معنادار است. از آنجایی که جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است، شاخص کل توانمندی نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین افزایش توانمندی زنان و افزایش درآمد زنان است؛ بنابراین، می‌توان گفت با افزایش شاخص کل توانمندی، میزان توانمندی زنان در ایجاد درآمد نیز افزایش پیدا می‌کند و افزایش توانایی زنان در ایجاد درآمد به‌نوبه خود منجر به افزایش سطح درآمد خانوارها و نیز توسعه اقتصادی روستا می‌شود.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی توانمندی‌های شغلی زنان و نقش آن در توسعه اقتصادی روستا در بخش کونانی از توابع شهرستان کوهدشت پرداختیم که نتایج حاصل گردید. در پاسخ به سؤال اول از طریق آزمون فریدمن مشخص شد که زنان روستایی ساکن در بخش کونانی از توانمندی‌های شغلی کشاورزی، صنعتی و خدماتی متفاوتی برخوردار هستند و در این میان بیشترین میانگین رتبه‌ای مربوط به شغل‌های بخش کشاورزی می‌باشد و کمترین آن مربوط به بخش صنعتی است. دلیل این امر را می‌توان در توسعه زراعت و به‌ویژه باغداری در محدوده نزدیک به روستا دانست که سبب جذب زنان به فعالیت در کنار مردان شده است. نتیجه تحلیل میانگین رتبه‌ای فریدمن نشان می‌دهد اگرچه زنان از توانمندی‌های شغلی متفاوتی برخوردار هستند، اما مقدار این توانمندی‌ها پایین است.

پاسخ به سؤال دوم از طریق همبستگی پیرسون نشان داد میان ویژگی‌های سن و تعداد اعضای خانوار (در سطح اطمینان ۰/۹۹) و میزان درآمد (در سطح اطمینان ۰/۹۵) پاسخ‌گویان با توانمندی‌های زنان رابطه معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت با افزایش سن، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد، سطح توانمندی‌های زنان روستایی در بخش کونانی افزایش پیدا می‌کند. برخی از ویژگی‌های شخصی مانند سن، با بالا رفتن سبب افزایش آگاهی و کسب مهارت برای زنان می‌شود که نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد در منطقه مورد مطالعه افزایش سن با افزایش توانمندی زنان دارای رابطه معنادار است.

در سؤال سوم به تحلیل رابطه بین توانمندی‌های زنان و گروه‌های شغلی همسرانشان با آزمون کروسکال والیس پرداخته شد و نتایج نشان داد زنانی که همسران آن‌ها در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند، دارای سطح توانمندی بالاتری نسبت به دیگر زنان



شماره ششم	مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی	یادداشت‌ها
1. Chambers	در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت شناخت دقیق	
2. Naples & Desai	توانمندی‌های زنان در زمینه‌های مختلف شغلی و نیز تعیین	
3. Overseas Development Institute	قابلیت‌ها و استعدادهاى آن‌ها همچون علاقه، اعتمادبه‌نفس، سواد	
4. Grabe	و تخصص، تجربه محلی و علمی، مسؤولیت‌پذیری، انگیزه	
5. Rappaport	پیشرفت و ... در زمینه توانمندسازی، از یک سو می‌تواند منجر به	
6. Hunter, Jason, & Keys	کاهش بیکاری زنان و افزایش توانمندی آن‌ها در انجام فعالیت-	
7. Mosedale	های مختلف شود و از سوی دیگر، به بهبود وضعیت اقتصادی و	
8. Perkins & Zimmerman	اجتماعی خانوارهای آنان و در نهایت، توسعه روستایی در ابعاد	
9. Cattaneo & Chapman	گوناگون منجر شود.	
10. Narayan		
11. Kabeer		

### کتابنامه

1. ارجلو، ص. (۱۳۸۴). *ارزیابی آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خویش؛ عوامل مؤثر در آن و تأثیر این آگاهی در مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران.
2. استانداری لرستان. (۱۳۹۲). *آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان کوهدشت*. خرم‌آباد: استانداری لرستان.
3. آل‌آقا، ف. (۱۳۸۴). *شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت‌های متناسب با آن*. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۳(۱)، ۱۶۹-۱۴۷.
4. امینی، ا. و احمدی شاپورآبادی، م. (۱۳۸۸). *خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن* (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۷(۲۷)، ۲۹-۷.
5. آیت، س. س.، و اعظمیان، ا. (۱۳۹۰). *تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی*. *فصلنامه روستاو توسعه*، ۱۴(۳)، ۳۲۸-۳۱۱.
6. حیدری، غ.، و جهان‌نما، ف. (۱۳۸۲). *توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی روستایی*. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۶(۱)، ۱۶۴-۱۲۹.
7. رحیمیان، ا. (۱۳۸۶). *طراحی مدلی برای توانمندسازی شهروندان*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه تهران، ایران.
8. روح‌افزای، ف. (۱۳۸۸). *ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار*. *نشریه فرهنگ*، ۱۸(۷۰)، ۱۹۴-۱۶۹.
9. شکوری، ع.، رفعت‌جاه، م.، و جعفری، م. (۱۳۸۶). *مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها*. *فصلنامه پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)*، ۵(۱۷)، ۲۶-۱.
10. طالبی‌فر، ع. م. (۱۳۸۰). *بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان، شهرستان قاینات*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه اصفهان: ایران.
11. طالقانی، غ.، پورعزت، ع. ا.، و فرجی، ب. (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر سقف شیشه‌ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران*. *نشریه مدیریت دولتی*، ۲(۱)، ۱۰۲-۸۹.
12. فرجی‌سبکبار، ح. ع.، خاکی، ا.، و نعمتی، م. (۱۳۹۰). *ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی*. *فصلنامه جغرافیا*، ۷(۲۲)، ۱۷۵-۱۵۹.
13. فروزان، س.، و بیگلریان، ا. (۱۳۸۲). *زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها*. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۱(۵)، ۵۸-۳۵.
14. قدیمی، ا.، منوچهری‌قشقای، آ.، و قاسمی، م. (۱۳۸۶). *وضعیت زنان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و آثار آن بر اشتغال زنان*. *مجله مطالعات زنان*، ۱(۳)، ۱۷۸-۱۴۸.
15. کردی، ح. (۱۳۸۱). *نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی در استان گلستان* (مطالعه موردی: شهرستان کردکوی). *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۵(۱۸۰)، ۲۳۹-۲۲۰.

۱۶. لهسایی زاده، ع.، جهانگیری، ج.، و خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: استان فارس). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳)، ۴۲۱-۵۴۱.
۱۷. مرکز آمار ایران. الف (۱۳۹۰). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۸. مرکز آمار ایران. ب (۱۳۹۰). *نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۰: مشارکت، اشتغال، بیکاری*. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۹. مرکز آمار ایران. پ (۱۳۹۰). *شناسنامه آبادی‌های بخش کونانی شهرستان کوهدشت*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۰. نجاتی آجی‌بیشه، م.، و جمالی، ر. (۱۳۸۶). *شناسایی و رتبه‌بندی موانع ارتقای شغلی زنان و بررسی ارتباط آن با ابعاد عدالت سازمانی زنان دانشگاه یزد*. *مجله مطالعات زنان*، ۱(۳)، ۹۱-۵۶.
۲۱. وارثی، ح. م.، حسینی‌ابری، س. ح. و زارع شاه‌آبادی، ع. ل. (۱۳۸۵). *بررسی نیازها و اولویت‌های جامعه روستایی از نظر زنان روستایی استان یزد*. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (ویژه‌نامه جغرافیا)*، ۲۰(۱)، ۱۴۲-۱۲۱.
22. Cattaneo, L. B., & Chapman, A. R. (2010). The process of empowerment: A model for use in research and practice. *The American Psychologist*, 65, 646-659.
23. Chambers, R. (1994a). The origins and practice of participatory rural appraisal. *World Development*, 22(7), 953-969.
24. Chambers, R. (1994b). Participatory rural appraisal (PRA): Analysis of experience. *World Development*, 22(9), 1253-1268.
25. Grabe, S. (2012). An empirical examination of women's empowerment and transformative change in the context of international development. *American Journal of Community Psychology*, 49(1-2), 233-245.
26. Hunter, B., Jason, A. L., & Keys, C. B. (2013). Factors of empowerment for women in recovery from substance use. *American Journal of Community Psychology*, 51(1-2), 99-102.
27. Kabeer, N. (1994). *Reversed realities: Gender hierarchies in development thought*. London: Verso Publications.
28. Kabeer, N. (2005a). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal. *Gender and Development*, 13(1), 13-24.
29. Mosedale, S. (2005). Assessing women's empowerment: Towards a conceptual framework. *Journal of International Development*, 17(2), 243-257.
30. Naples, N. A., & Desai, M. (2002). *Women's activism and globalization: Linking local struggles and transnational politics*. NY: Routledge.
31. Narayan, D. (2005). Conceptual framework and methodological challenge. In D. Narayan (Ed.), *Measuring empowerment: Cross-disciplinary perspectives* (pp. 3-38). Washington, D.C.
32. ODI. (2010). *Policy brief: The MDGs and gender*. Overseas Development Institute. Retrieved August 5, 2010, from <http://www.odi.org.uk/resources/download/4900.pdf>
33. Perkins, D. D., & Zimmerman, M. A. (1995). Empowerment theory, research, and application. *American Journal of Community Psychology*, 23(5), 569-579.
34. Rappaport, J. (1984). Studies in empowerment: Introduction to the issue. *Prevention in Human Services*, 3(2-3), 1-7.
35. Rappaport, J. (1987). Terms of empowerment/exemplars of prevention: Toward a theory for community psychology. *American Journal of Community Psychology*, 15(2), 121-148.
36. Zimmerman, M. A. (1990). Taking aim on empowerment research: On the distinction between individual and psychological conceptions. *American Journal of Community Psychology*, 18(1), 169-177.
37. Zimmerman, M. A. (1995). Psychological empowerment: Issues and illustrations. *American Journal of Community Psychology*, 23(5), 581-599.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Evaluation of Women's Work Empowerment and its Role in Economic Development in Rural Areas (Case study: Kounani District of Kouhdasht County)

Mojtaba Ghadiri Ma'soum<sup>1</sup>, Jamshid Eynali<sup>2</sup>, Farshad Soury<sup>\*3</sup>, Mahdi Cheraghi<sup>4</sup>

1-Full Prof., Geography and Rural Planning and Member of Center of Excellent in Rural Studies & Planning, Tehran University, Tehran, Iran.

2-Assistant prof., Geography and Rural Planning, Zanjan University, Zanjan, Iran.

3-Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Tehran University, Tehran, Iran.

4-Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Tehran University, Tehran, Iran.

Received: 5 June 2013      Accepted: 20 Apr 2014

### Abstract

**Purpose:** For the time being, the status of women in any society is an indicator of a society progress; indeed more attention will be paid to this fact day in day, and international organizations and institutes which involved in development activities have put their emphasis on this subject. One of the main important approaches to improve the women status is to empower their situation in important aspects of life and particularly in economic. Therefore, the aim of this research was to investigate the women empowerment and their role in development of rural area economy.

**Methodology:** This paper is a practical, and the study was descriptive- analytical is survey. In which two ways documentary and is survey (Questionnaires and interviews) is used to collect the data needed. The study population, are residing rural women's in the Kounani District in Kouhdasht County (10895) among them 330 people, were selected by simple random sampling.

**Findings:** The results of the study indicated that the highest level of women empowerment in economic sectors was related to agricultural activities, which had a direct and significant relation with age and income variables. It was also found that women, who had higher-level of empowerment, will be more capable of earning higher income.

**Research Limitation:** One of the challenges of this study was to visit the area of the study and to prepare and fill out the questionnaire among rural women who were facing the traditional attitudes.

**Practical Implication:** with conclude accurate recognition of women abilities in various fields of occupational and also to determine their potential and capabilities empowerment of, such interest, confidence, knowledge and expertise, local experience and knowledge, responsibility, and It is easier to achieve women's empowerment.

**Original/value:** achieve to women's empowerment on the one hand can lead to a decrease in female unemployment and increase their ability to perform various activities, and on the other to improve social and economic conditions of their families and ultimately lead to rural development in various aspects.

**Keywords:** Women, occupational capabilities, empowerment, rural economic development, Kounani District.

### How to cite this article:

Ghadiri Ma'soum, M., Eynali, J., Soury, F., & Cheraghi, M. (2014). Evaluation of women's work Empowerment and its role in economic development in rural areas (Case study: Kounani Dehestan of Kouhdasht County). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(6), 17-25.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/22524>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495